

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

المان - 20 اپریل 2012

مخمس بر غزل حضرت حافظ (ع)

ساقی من که همان دلبر مهوش باشد
چشم بد دور که خوش مشرب و دلکش باشد
صافی و درد ازو بهر همه خوش باشد
نقد صوفی نه همه صافی و بیغش باشد
ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد
باده خوران که به حکم ازلی هست شدی
نه چو شیخی که به دیوان و دد همدست شدی
صوفی ما که ز ورد سحری مست شدی
شامگاهش نگران باش که سرخوش باشد
شش جهت عاشق رنجیده بیاید به میان
سخن عاشق بیچاره شود ورد زبان
نشود راز دل سوختگان زود عیان
خوش بود تا محک تجر به آید بمیان
تا سیه روی شود هر که در او غش باشد
میکشم رنج و تعب تا ببرم راه بدوست
اینهمه محنت و غم، ناله سازنده ازوست
خوش بود لذت دیدار که دیدار نکوست
عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد
تا توانی به جهان ساغر و پیمانه بخور
لب به لب باده بخور با لب جانانه بخور
ساغری چند بحکم دل دیوانه بخور
غم دنیای دنی چند خوری باده بخور
حیف باشد دل دانا که مشوش باشد
تیموری دست ز آئین خرد دار و خروش
آن خروشی که بیابی تو از آن باده نوش
جسم و جان جز به می ناب نباید بفروش
دل و سجاده حافظ ببرد باده فروش
گر شراب از کف آن ساقی مهوش باشد